

ماجرای تخت بلقیس و احضار آن توسط «آصف بن برخیا»

حجت الاسلام حسن رضانی در گفت‌وگو با فارس تبیین کرد: ماجرای تخت بلقیس و احضار آن توسط «آصف بن برخیا»

...

حجت الاسلام حسن رضانی در گفت‌وگو با فارس تبیین کرد: ماجرای تخت بلقیس و احضار آن توسط «آصف بن برخیا

عفریتی از جن رو به سوی سلیمان(ع) کرد و گفت: من تخت بلقیس را پیش از آن که از جای برخیزی، نزد تو می‌آورم. «آصف؛ نیز گفت: تخت او را قبل چشم بر هم زدنی نزد تو خواهم آورد! سپس با استفاده از «اسم اعظم؛ تخت ملکه سبأ را در طرفه العینی احضار کرد. آیات مربوط به ماجرای تخت بلقیس/ نمل 38-42

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، امروز مصادف است با سالروز احضار تخت «بلقیس؛ ملکه سبأ توسط «آصف بن برخیا؛ وزیر کاردان حضرت سلیمان(ع). به همین بهانه و برای آگاهی از چگونگی این عمل اعجاب‌آور، گفت‌وگوی مشروحی با حجت الاسلام والمسلمین «حسن رضانی؛ از اساتید فلسفه و عرفان حوزه علمیه قم انجام داده‌ایم که مشروح آن تقدیم می‌شود.

* آوردن تخت ملکه سبأ نزد سلیمان نبی علیه السلام

استاد رضانی درباره آوردن تخت ملکه سبأ نزد حضرت سلیمان گفت: این جریان از آیه 38 تا 42 سوره مبارکه نمل به روشنی نقل شده است.

وی گفت: ملکه سبأ با عده‌ای از اشراف قومش، تصمیم گرفتند به سوی سلیمان علیه السلام بیایند، این خبر از هر طریقی که بود به سلیمان علیه السلام رسید و سلیمان تصمیم گرفت در حالی که ملکه و یارانش در راهند، قدرت‌نمایی شگرفی کند تا آنها را بیش از پیش، به واقعیت اعجاز خود آشنا، و در مقابل دعوتش تسلیم سازد لذا رو به اطرافیان خود کرده گفت: ای گروه بزرگان! کدامیک از شما توانائی دارید، تخت او را پیش از آن که خودشان نزد من بیایند و تسلیم شوند برای من بیاورید؟

این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: عفریتی از جن رو به سوی سلیمان کرده گفت: من تخت او را پیش از آن که از جای برخیزی نزد تو می‌آورم. دومین نفر؛ مرد صالحی بود که آگاهی قابل ملاحظه‌ای از «کتاب الهی؛ داشت، قرآن در حق او می‌گوید: «وَقَالَ الَّذِي عِثِدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ؛ و هنگامی که سلیمان علیه السلام با این امر موافقت کرد، او با استفاده از نیروی معنوی خود تخت «ملکه سبأ؛ را در «طرفه العین؛ نزد او حاضر کرد.

وی ادامه داد: هنگامی که سلیمان(ع) تخت را نزد خود مستقر دید، زبان به شکر پروردگار گشوده گفت: این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا شکر نعمت او را به جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! «فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِثِدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؛ سپس افزود: هر کس شکر کند، به سود خویش شکر کرده است، و هر کسی کفران کند، پروردگار من غنی و کریم است «وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَظْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛.

حجت الاسلام رضانی افزود: سلیمان علیه السلام دستور داد تخت او را که حاضر ساخته بودند، دگرگون و ناشناس سازند و گفت: تخت او را برایش ناشناس سازید بینیم آیا هدایت می‌شود یا از کسانی خواهد بود که هدایت نمی‌یابند «وَقَالَ تَكْرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرُ أَ تَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ؛ هنگامی که ملکه سبأ وارد شد، کسی اشاره‌ای به تخت کرد و گفت: آیا تخت تو این گونه است «فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَ هَكَذَا عَرْشُكَ؛ گفت: گویا خود آن تخت است! «قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ؛ و بلافاصله افزود: و ما پیش از این هم آگاه بودیم و اسلام آورده بودیم «وَأُوتِيتَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ؛.

استاد رضانی در پاسخ به اینکه منظور از عفریت که در آیه 39 سوره نمل آمده و به جن نسبت داده شده چیست؟ گفت: در لغت، عفریت به معنای متمرّد آمده است و در اینجا احتمال دارد همین معنا باشد. البته معانی دیگری نیز احتمال داده‌اند مثل عجیب و غریب.

وی در پاسخ به این سوال که اگر معنای عفریت را متمرّد بگیریم، چگونه آن جن متمرّد در کنار پیامبر خدا حضور داشت؟ گفت: حضرت سلیمان آن عفریت‌ها را به استخدام خود در آورده بود و در راه خدا به کار می‌گرفت.

* اسم اعظم، لفظ یا نوشته نیست

استاد عرفان اسلامی در پاسخ به اینکه گفته‌اند: «آصف بن برخیا«؛ به وسیله اسم اعظم آن تخت را آورد، مراد از اسم اعظم چیست؟ گفت: اسم اعظم، لفظ یا نوشته نیست. این اسماء لفظی و کتبی جلوه و نشانه‌ای از اسمای حقیقی‌اند و در میان اسماء عینی که حقیقت بیرونی دارند آن اسمی که از همه برتر هست اسم اعظم است.

وی گفت: اسم اعظم در میان اسماء ذات، «الله«؛ است و در اسماء صفات، «حی«؛ است و در میان اسماء افعال، «قادر«؛ است لذا تمام افعال حق تعالی به اسم «القادر«؛ بر میگردد و تمام صفات او به اسم «الحی«؛ بر می‌گردد و «الله«؛ هم مستجمع همه صفات کمال است.

وی تاکید کرد: نه تنها اسم اعظم بلکه همه اسماء الهی، حقایق عینی و بیرونی‌اند و لفظ و نوشته نیستند لذا آنچه که ما در گفتار یا نوشتار بیان میکنیم و می‌گوییم الله، حی، عالم، قادر، سمیع و ... اسم و نشانه آن اسمای خدا هستند که واقعیت خارجی دارند. یعنی این الفاظ، اسم آن اسماء هستند.

وی افزود: اینطور نیست که تنها یک اسم اعظم داشته باشیم و اینطور نیست که لفظ «الله«؛ یا عبارت کتبی «الله«؛ «حی«؛ «قادر«؛ و ... اسم اعظم باشند بلکه در جهان آفرینش حقایق عینی‌ای وجود دارند که اینها بزرگترین تعیین پروردگار هستند که در مرحله ذات، اسم آن تعیین، «الله«؛ است، در مرتبه صفات، «حی«؛ و در مرتبه افعال، «قادر«؛ است.

استاد رضائی افزود: مثلا به انسانی می‌گوییم فلان آقا دکتر، حکیم، عارف و است که این اسما و صفات در صورتی واقعی است که او در خارج و واقعا متصف به صفت دکتر، حکیم باشد و گرنه صرف لفظ یا نوشتار که اثری ندارد. از این رو کسی که به این اسماء، تحقق یافته و آنها را در خود پیاده کرده است می‌تواند کار الهی انجام دهد.

* معنا و مفهوم جن

استاد رضائی در بخش دیگری از این گفت‌وگو در پاسخ به این سؤال که آیا آن «عفريت از جن«؛ نسبت به آصف که انسان بود، قدرت کم‌تری داشته است، به «جن«؛ و ماهیت آن اشاره کرد و اظهار داشت: ماده «جیم، نون، نون«؛ دلالت بر خفا و پوشش می‌کند. یعنی هر چیزی که به نوعی پوشیده و مخفی بوده باشد اگر خواستیم از او تعبیر کنیم از این ماده (جیم، نون، نون) استفاده میکنیم. مثلا به بچه‌ای که در رحم مادر از دیده‌ها پنهان بوده و مخفی در شکم اوست جنین می‌گوییم. کسی که روی عقلش پرده‌ای قرار داده شده و عقل او تحت الشعاع بوده و پوشیده شده است «مجنون«؛ است. به سیر که انسان، پشت آن مخفی میشود «جَنَّة«؛ می‌گویند. به آن زمینی که با اشجار و درختان پوشیده شده «جَنَّت«؛ می‌گویند. به قلب، «جَنان«؛ می‌گویند چرا که در درون است و ظاهر نیست و مانند این مثالها فراوان است. پس ماده (ج،ن،ن) برای چیزهایی به کار می‌رود که به نوعی مخفی هستند.

وی افزود: یکی از این موارد که همین معنا در آن لحاظ شده، موجودی به نام «جن«؛ است. جن، اسم جنس است برای موجوداتی که از دیده‌های ظاهری، پنهان هستند. جن‌ها هم درک و شعور و فهم دارند و هم قدرت و فعالیت دارند.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه به کار بردن کلمه اجنه برای جن‌ها صحیح نیست گفت: خیلی از مردم وقتی می‌خواهند «جن«؛ را جمع ببندند می‌گویند: «اجنه«؛، در حالی که این تعبیر، اشتباه است. چون «اجنه«؛ جمع «جنین«؛ است نه «جن«؛. قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِی بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ«؛ (و در آن موقع که به صورت جنینهایی در شکم مادرانتان بودید). (نجم/32) لذا به کار بردن کلمه «اجنه«؛ برای جن‌ها غلط است بلکه جمع جن، «جیتة«؛ می‌شود که در سوره ناس می‌خوانیم: «مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ«؛ (ناس/6)

* جن‌ها نیز از مخلوقات خدا هستند

حجت الاسلام حسن رضائی افزود: سخن درباره جن‌ها، زیاد است اما با توجه به عمومی بودن این گفتگو، بنده نمی‌خواهم به همه موارد اشاره کنم بلکه تنها به چند مورد که در قرآن کریم آمده بسنده می‌کنم، یکی اینکه قطعا آنها نیز مخلوق خداوند متعال هستند و مانند انسانها مکلف اند و برای عبادت و عبودیت و رسیدن به یقین خلق شده‌اند. «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِعِبَادَتِي«؛ (من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند]) (ذاریات/56)

وی گفت: جن‌ها از آتش هستند و انسانها از خاک. «وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ«؛ (و جنّ را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد) (الرحمن/15) در اصطلاح فنی می‌گویند: غلبه خاک بر انسان، زیاد است و غلبه آتش بر جن‌ها زیاد است.

رضائی ادامه داد: «جن«؛ بدن عنصری و مادی دارد اما آن چیزی که بیشتر همراه اوست نار و آتش است به تعبیر دیگر جنبه آتشی دارد و شما می‌بینید که حرارت آتش از اشیاء نفوذ می‌کند. اگر در یک طرف شیء، آتش بیفروزید می‌بینید به طرف دیگر آن نفوذ می‌کند و داغ می‌شود. این طرف دیوار آتش روشن کنید، حرارت به آن طرفش نفوذ می‌کند و داغ می‌شود. رمز و راز نفوذ جن از دیوار و موانع سخت این است که غلبه وجودی اش با جنبه آتشی است. اما ما انسانها ترابی هستیم یعنی از خاک هستیم و لذا بین ما و اشیاء دیگر، تصادم ایجاد می‌شود، به دیوار می‌خوریم و بر می‌گردیم اما جن‌ها از دیوار نفوذ می‌کنند همان طور که آتش

نفوذ می‌کند و از این جهت، اقتضائاتی برایشان رقم می‌خورد.

استاد حوزه گفت: به علت اینکه جن‌ها به راحتی از موانع عبور می‌کنند اما ما انسانها نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم برخی خود را با آنها مقایسه می‌کنند و نتیجه غلط می‌گیرند که پس جن‌ها قدرت زیادی نسبت به انسانها دارند در حالی که این حالت، اقتضای ذاتشان است نه این که قدرتی بیشتر از ما داشته باشند، اصلاً اقتضای وجودی آنها چنین است. مثل این که پرنده، پرواز می‌کند و انسان در ظاهر نمی‌تواند پرواز کند و این، فضیلت نیست.

* ابلیس از جنیان است

استاد عرفان فلسفه و عرفان گفت: «ابلیس"؛ که شیطان رجیم لقب گرفته، از گروه جن است. قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ" (به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!« آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود) (کهف/50) پس جنس ابلیس نیز، از آتش است یعنی غلبه با همان جنبه ناری است. اما فرشته و ملک جنسش از نور است.

وی افزود: در تعریف ملک گفته‌اند: «الملک جوهر نوری یتشکل باشکال مختلفة سوی الکلب و الخنزیر. یعنی ملک و فرشته یک جوهر نورانی است که قدرت دارد به اشکال مختلف درآید یعنی متمثل شود به اشکال و صورت های گوناگون به استثنای سگ و خوک. چون سگ و خوک، نجس العین هستند و فرشته از نور است لذا به این دو شکل در نمی‌آید اما به هر شکل دیگری که در نظر بگیرید - به اقتضائات زمان و مکان و آنچه که باید اقتضا کند - متشکل می‌شوند. مثل آنکه فرشته برای حضرت مریم (س) در شکل انسان متمثل شد. «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا" (و میان خود و آنان حجابی افکند) (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد. (مریم/17) آن روح که از جنس فرشته است به صورت یک بشر تمثل پیدا کرد.

وی گفت: در رابطه با جن گفته‌اند: الجنّ جوهر ناری، یتشکل باشکال مختلفة حتی الکلب و الخنزیر. یعنی جن جوهری آتشی است که به همه اشکال در می‌آید حتی به صورت سگ و خوک. و به خاطر همین جنبه ناری بودنش قابل انعطاف بوده و می‌تواند به همه گروه ها تمثل و تشکل پیدا کند.

* شیطان یعنی چه؟ و آیا از انسانها شیطان وجود دارد؟

استاد رضانی درباره معنای شیطان گفت: به موجودی که وسوسه کرده، شیطنت و مخالفت می‌کند و طغیانگر است شیطان می‌گوییم. پس شیاطین جن، گروهی از جن‌ها هستند که شرارت و مخالفت کرده، طغیانگری می‌کنند. و به طور کلی، انسان‌ها هم اگر شیطنت و شرارت از آنها صادر شود و حق را با باطل بیامیزند و مردم را گمراه کنند، آنها نیز شیطان هستند و شیطان انس لقب می‌گیرند.

وی گفت: قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا" (اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم آنها به طور سری (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند) (انعام/112)

* جن‌ها نیز مانند انسان‌ها خوب و بد دارند

حجت الاسلام رضانی با اشاره به مطلبی از مرحوم علامه طباطبایی درباره جن‌ها گفت: خدا رحمت کند علامه طباطبایی را که ایشان می‌فرمود: در میان جن، یا کافر داریم یا مومن شیعه. آنهایی که مومن و مسلمان هستند، حتما شیعه هستند. علامه می‌فرمود: چون اینها در آن زمان، حقایق و وقایع را به خاطر عمر طولانی که دارند دیده‌اند و کسانی که از آن زمان تا به حال زنده مانده‌اند به دیگران، جریان غدیر خم و مانند آن را تعریف می‌کنند.

وی افزود: جن‌های مومن، نیازی به کتابهای ما در اثبات ولایت امیرالمومنین علی (ع) ندارند، چون قضایا را دیده و با آنها مواجه شده‌اند و لذا جن‌هایی که مسلمان شده‌اند این قضیه را انکار نمی‌کنند.

* محل زندگی جن‌ها

استاد رضانی درباره محل زندگی جن‌ها گفت: آنها ماده هستند و لذا در عالم ماده زندگی می‌کنند. البته عالم ماده، طبق معمول پایین و بالا دارد، و چون ناری هستند و حرارت‌ها به قسمت بالا صعود می‌کند، لذا آنها در بالای عالم ماده هستند. اما ما انسانها از خاکیم و خاک سرد و سنگین است لذا طرف پایین عالم ماده و در زمین هستیم.

وی افزود: در روایات هم چنین چیزهایی وارد شده، به عنوان مثال برخی از روایات، مقداری را مشخص می‌کند که جن‌ها در آنجا هستند و در متن آن روایات آمده که اگر تا فلان جا بالا بروید، آنجا محل سکونت جن‌ها است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا جنیان نیز مکلفند و در بهشت و جهنم دارند گفت: بله کسی که با قرآن، آشنا باشد این مسائل را تصدیق می‌کند. به عنوان مثال به این آیه توجه کنید: «يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَ غَرَّبْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاثِرُونَ كَافِرِينَ « (در آن روز به آنها می‌گویند: ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آنها می‌گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می‌دهیم (آری)، ما بد کردیم « و زندگی (پیر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند) (انعام/130)

* ارتباط انسان با جن

استاد رضائی درباره ارتباط انسان با جن‌ها گفت: در این‌باره به چند نکته لازم است اشاره شود: نکته اول این است که ارتباط با جن و شیطان جنی، هم امکان دارد و هم اتفاق افتاده است. یعنی هم جن می‌تواند با انسان ارتباط برقرار کند و هم انسان می‌تواند با جن ارتباط برقرار کند. منتها این ارتباطات به دو شکل ممکن است صورت بگیرد: ارتباط صحیح و مورد تایید شرع مقدس و ارتباط نامشروع و غیر شرعی.

وی گفت: نکته دوم این است که اصل بر عدم ارتباط است. یعنی بالاخره ما در محدوده خودمان که انسان هستیم با انسان‌ها مرتبطیم و آنها که جن هستند در محدوده خودشان با جن‌ها مرتبطند و شرعا مجاز نیستند که با ما ارتباط برقرار کنند و ما را تحت سلطه خودشان قرار دهند. در قرآن کریم آیه ای وجود دارد که به نکته ظریفی اشاره می‌کند: «وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنسِ وَ قَالَ أُولِئَاؤُ هُمْ مِنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ « (در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید و آنها را به خدمت گرفتید و بهره کشی کردید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: «پروردگارا! هر یک از ما دو گروه [پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری استفاده کردیم (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم و آنها بر ما حکومت کردند) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم « (خداوند) می‌گوید: «آتش جایگاه شماسست جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد « پروردگار تو حکیم و داناست. (انعام/128)

وی گفت: خدای تبارک و تعالی به «جن « خطاب میکند که «استکثرتم من الانس « شما انسان را گمراه کرده و به خدمت گرفتید. علامه طباطبائی این را به معنای به «استخدام درآوردن زیاد « می‌داند، یعنی تحت تصرف قرار دادن و از انسان، کار کشیدن. یعنی ای گروه جن، شما از انسانها بهره کشی زیادی کردید، این می‌شود حرام و از لحاظ شرعی آنها ممنوع هستند که از ما بهره کشی کنند.

استاد حوزه افزود: برای ما انسانها هم ممنوعیت شرعی وجود دارد که از آنها بهره کشی کنیم، یعنی جن‌ها را بدون رضایتشان تحت سلطه و سیطره خود بگیریم و از اقتضائات آنها استفاده کنیم. این اصل و قاعده اولیه است.

حجت الاسلام رضائی ادامه داد: نکته سوم این است که گاهی در برخی از موارد، این اصل عدم ارتباط و بهره کشی، استثناء می‌خورد، مثلاً یک ولی خدا، به خاطر ولایتی که بر همه موجودات عالم و از جمله جن دارد، می‌تواند با توجه به مصالح و مواردی که پیش می‌آید از آنها بهره بگیرد و استفاده مشروع و صحیح کند. مثل آنچه که حضرت سلیمان (ع) انجام داد و جن‌ها را برای نقل اشیاء ثقیل و بنای بناهای عظیم استخدام کرد و اقتدارهای فوق العاده که در اختیار جن‌ها قرار داشت به خدمت گرفت و کارهای عظیم و عمده‌ای انجام داد.

وی گفت: به عنوان نمونه از قرآن کریم، به دو آیه در این‌باره اشاره می‌کنم: قرآن می‌فرماید: «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ « (لشکریان سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند آن قدر زیاد بودند که باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند) (نمل/17) و می‌فرماید: «... وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُدْخِلُ رَبَّهُ ... « (و برای سلیمان [گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند...) (سبا/12)

استاد عرفان اسلامی ادامه داد: نوع جن، از نظر ارزش و شرافت در مقایسه با نوع انسان، در رتبه پایین قرار دارد. آنچه را که ما نسبت به استخدام انسان کامل و ولی خدا، نسبت به جن گفتیم و جنبه شرعی به آن دادیم، چنین چیزی در میان جن نمی‌تواند وجود داشته باشد. یعنی آنها نمی‌توانند به نحو مشروع از ما انسانها کار بکشند و اگر این کار را کردند دچار عذاب و عقاب الهی خواهند شد. از این جهت در میان مآخذ و مصادر به صورت مشروع و مجاز وارد نشده که جتنی با ولایت الهیه، انسانی را به تصرف خود در آورده و در راستای کارهای خود، انسان را به کار گیرد. اما انسان کامل و ولی خدا، می‌تواند با توجه به مسائل و موارد مخصوص از آنها استفاده کند، البته استفاده مجاز و شرعی نه استفاده غیر مجاز و غیر شرعی.

وی افزود: نکته چهارم این است که متأسفانه استفاده‌های غیر مجاز و غیر شرعی در هر دو گروه بوده و هست، یعنی هم انسانهای فاسق و حتی کافر می‌توانند با یک سری کارها، جن‌ها را به استخدام خود در آورند و هم آنها با فسق و فجوری که دارند ممکن است این تجاوز به حدود الهی را داشته باشند و افرادی از انسان را به استخدام خود در آورند و کارهایی را از انسانها بخواهند. رضائی ادامه داد: احمد امین در کتاب «التکامل فی الاسلام «، بحثی تحت عنوان سلوک شیطانی و رحمانی دارد. در

قسمت سلوک شیطانی می‌گوید: برخی از افراد انسانی با توجه به برخی از کارهایی که انجام می‌دهند به استخدام جن در می‌آیند و بالعکس، جن را به استخدام خودشان در می‌آورند. آنها در مسیر اهداف خودشان اینها را به کار می‌گیرند و اینها هم در مسیر اهداف خود، آنها را به کار می‌گیرند. یعنی یک نوع بده بستانی در این میان برخی از انسانها و جن‌ها وجود دارد. استاد رضائی افزود: در نجف، آدمی بود که خیلی از نظر ظاهری، شخص ژولیده و کثیفی بود، بی‌تعهد و بی‌قید بود. با همه این حرفها آدم عجیبی بود و کارهای عجیب و غریبی انجام می‌داد. برای خیلی از آقایان جای سوال بود که این آدم کثیف و بی‌قید و بند، چگونه این کارهای عجیب و غریب را انجام می‌دهد. بعد از مدتی تحقیق در این باره دیدند که وی از شهر نجف خارج می‌شود و به تپه ای اشراف پیدا می‌کند و چیزهای بدی به مولای عالمیان امام علی (ع) می‌گوید. بعدها که پی بردند آدم خیثی است، او را گرفتند و شروع کردند به محاکمه و پرس و جو کردن که اینها چی هست؟ و از کجا اینها را داری؟ متوجه شدند که وی، به برخی از شیاطین جن، تعهد دارد، تعهدش این است که حرفهای زشتی به امام امیرالمومنین علی (ع) بزند و در عوض، آنها هم در برابر این ناسزاهای، تعهد دارند که یک سری از اختیاراتی که دارند به این آقا واگذار کنند. این می‌شود سلوک شیطانی.

* آیا جن‌ها و به خصوص شیاطین جن می‌توانند از آینده خبر بدهند؟

استاد رضائی در پاسخ به این سوال که آیا جن‌ها و به خصوص شیاطین جن می‌توانند از آینده خبر بدهند؟ گفت: در برخی از موارد، بله می‌توانند، به عنوان مثال، اخبار دم دستی که مربوط به همین عالم مادی است را می‌توانند بفهمند و خبر دهند. مثلاً فلانی بیست روز دیگر از سفر بر می‌گردد، فلان شخص دزدی کرده است، فلانی در انتخابات چنین می‌شود، بچه فلان زن، دختر می‌شود و مانند آن. وی درباره این سوال که آیا جن‌ها در این ارتباط، دروغ هم می‌گویند؟ گفت: من امکانش را نفی نمی‌کنم اما چون در راستای تعهد دو طرفه، این کارها را انجام می‌دهند لذا اصل در راستگویی است. چرا که بالاخره در مقابل هر سخنی، چیزی می‌گیرند و به خاطر این که آن چیزی را که می‌گیرند، استمرار داشته باشد و خوب و کامل بگیرند و از دست ندهند، به طور معمول در کار و تعهد خود کوتاهی نمی‌کنند.

* مردم مراقب شیادان باشند

استاد عرفان حوزه علمیه قم در پاسخ به این سوال که اگر کسی ادعا کند من ولیّ خدا هستم و با جن و شیطان مرتبطم و به خاطر ولایت الهی ام از آنها مطلب می‌گیرم و استفاده می‌کنم. تکلیف چیست؟ گفت: کدام ولیّ خدا، خود را ولیّ خدا معرفی می‌کند؟ اتفاقاً ولیّ خدا، خود را کوچکترین و کمترین انسانها می‌بیند و برای خود، جایگاهی نمی‌داند چه برسد به اینکه بیاید و بگوید من از اولیاء الله هستم. ضمن اینکه ارتباط با جن در شرع مقدس اولاً و بالذات ممنوع و حرام است و جز در موارد استثنایی که در فقه بیان می‌شود جایز نمی‌باشد.

وی ادامه داد: هر کس با شیاطین جن، ارتباط پیدا کند، باید با آنها سنخیت پیدا کند و در مقابل کارهایی که به وسیله آنها انجام می‌دهد، کارهایی را به نفع شیاطین انجام دهد لذا چنین شخصی آدم خیثی است. این آیه را ببینید: 171# «وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا»؛ (و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می‌بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیان‌شان می‌شدند) (جن/6)

وی افزود: آنچه رسانه‌ای می‌شود قطعاً از نوع ارتباط مجاز و شرعی نیست و آن چیزی که شرعی و مجاز است رسانه‌ای نمی‌شود، رسمیت پیدا نمی‌کند، اعلام نمی‌شود، به صورت استثنایی و در موارد جواز فقهی است که توسط ولیّ واقعی خدا صورت می‌گیرد و لذا ما مکلفیم که اینگونه امور را که در جامعه باب شده به عنوان یک کار منهی، نادرست، مذموم و غیر شرعی معرفی کنیم.

وی تأکید کرد: به مردم شریف عرض می‌کنم که فریب برخی از شیادان و فریب کاران را نخورند و در همه مسائل دینی تنها به عالمان الهی و ربانی اعتماد کنند تا دچار مشکلات نشوند و اگر خدای نکرده، کسی واقعا دچار مشکلاتی در این زمینه ها شده، برای حل مشکلش به عالم ربانی که در این مسائل، دانا و توانا بوده و مورد تایید علمای ربانی دیگر است مراجعه کند و به هیچ عنوان به فرد دیگر مراجعه نکند که مشکلش دو چندان می‌شود به تعبیر دیگر اگر چنین عالمی را پیدا کرد، باید از او یاری بجوید وگرنه تا زمانی که به چنین عالمی دسترسی پیدا نکرده، دنبال مدعیان نرود که مشکلش، بیشتر می‌شود.